

پ્રશ્ન. 1 અનુવાદ કરો.

(14)

نفست که يكى پيش صادق آمد و گفت خدارا بمن نمای گفت آخر نشيند که موسى را گفتد لن ترانى گفت آری اما اين ملت مهد است که يكى فرياد مى کند راي قلبى ربى ديگر نعره مى زند که لم اعبد ربالم اره صادق گفت اورا ببنديد و در دجله اندازيد اورا ببستد و در دجله انداختند آب اورا فروبرد بازبر انداخت گفت يا ابن رسول الله الغيات الغيات صادق گفت اى فروبرش فروبرد بازبر آورد گفت يا ابن رسول الله الغيات الغيات گفت فروبر همچنين چند کرت آب رامى گفت که فروبر فرومى برد چون برمى آورد گفت يا ابن رسول الله الغيات الغيات چون از همه نوميد شد وجودش همه غرق شد و اميد از خلائق منقطع کرد اين نوبت که آب اورا بر آورد گفت الهى الغيات الغيات صادق گفت اورا بر آوردن و ساعتى بگذاشتند تا باز فرار آمد پس گفت حق را بدی؟ گفت تا دست در غيرى ميزدم در حجاب مى بودم چون بكلى پناه بدو بردم و مضطر شدم روزنه درون دلم گشاده شد آنجا فرونگر يstem آنچه مى جستم بديم. و تا اضطرار نبود آن نبود که امن يجib المضطر اذادعاه. صادق گفت تا صادق مى گفتنى کاذب بودی اکنون آن روزنه را نگاه دار که جهان خدای بدا نجا فروست. و گفت هر که گويد خدای هر چيز سنت يادر چيز سنت يا از چيز يstem او كافر بود و گفت هر آن معصيت بندھ را بحق نزديك گرداند که اول آن ترس بودو آخر آن عذر.

અનુવાદ

و گفت هر که سخن مردان پيش تو آرد سخن تو پيش ديگران برد او را نه لايق صحبت باشد و گفت برادران پيش ما عزيز اند که ايشان ياردين اند و اهل و فرزند يار دنياو خصم دين و گفت هر چند بندھ بر خودو مادر و پدر نفقه کند آنرا حساب بود مگر طعامي که پيش دوستان و مهمانان نهند و گفت هر نمازى که دل دروى حاضر نبود بعقوبت نزديکتر بود و گفتند خشوع چيست؟ گفت بيامي که در دل ايشتاده بود و دل آنرا ملازم گرفته و گفتد

مردی بیست سال است تا بنماز جماعت نیامده است و با کس اختلاط نکرده است و در گوشة نشسته است حسن پیش او رفت و گفت چرا بنماز جماعت نیای و اختلاط نکنی؟ گفت مرا معدور دار که مشغولم گفت بچه مشغولی؟ گفت هیچ نفس از من بر نمی آید که نه نعمتی از حق بمن رسد و نه معصیتی از من بدو و بشکر آن نعمت و بعد از آن معصیت مشغولم حسن گفت همچنین باش که تو بهتراز منی پرسیدند که ترا هر گز وقت خوش بوده است؟ گفت روزی بربام بودم زن همسایه باشوه ر میگفت که قرب پنجاه سالست که در خانه ترا م اگر بود و اگر نبود صبر کردم در سرما و گرما و زیادتی نطلبیدم و نام و ننگ تو نگاه داشتم و از تو بکس گله نکردم اما بدین یک چیز تن در ندهم که بر سر من دیگری گزینی این همه برای آن کردم تا تو مرا بینی همه نه آن که تو دیگری را بینی.

پرش.2 نویسنده "تصوف" شاعر آرمانی از آنها "تصوف" صوفی (14)

અથવા

"تصوف" ની વિકાશયાત્રા વર્ણવો.

પرش.3 "شیخ فریدالدین عطار" نویسنده "تصوف" فارسی ادب (14)

અથવા

"شیخ فریدالدین عطار" નો સાહિત્યિક ફાળો વિગતે જણાવો.

پرش.4 "مولانا جامی" نویسنده "تصوف" از پર آધારિત ગુંથ "نوانح" پર પ્રકશ પાડો. (14)

અથવા

"كشف المحبوب" "گشادھ" નો વિગતે પરિચય આપો.

પرش.5 નીચેનાં કોઈ પણ સાત પ્રશ્નોનાં ટુકમાં જવાબ આપવા. (14)

1 "اصحاب صفا" "વિશે ટુકમાં માહિતિ આપો.

- 2 "فنا" (निमग्नता) નો અર્થ સ્પષ્ટ કરો.
- 3 સુફીવાદ (تصوف) અંગે ડૉ. એ. આર. નિકોલસનનું મંત્ર્ય લખો.
- 4 સુફીવાદની "سہروردیہ" શાખાનાં સ્થાપક કોણ છે?
- 5 સુફીવાદનાં અંતિમ તબક્કમાં "فنا" નો સિધ્યાંત ક્યાં સુફીએ રજુ કર્યો?
- 6 "شیخ فریدالدین عطار" નાં પિતા કયો ધંધો કરતા હતા?
- 7 માં કુલ કેટલા અવલીયા અને મશાયખનું જીવન વૃત્તાંત છે?
- 8 "شیخ فریدالدین عطار" એ સુફી સંતોનાં જીવન વૃત્તાંતના સાધનો શોધવા કુલ કેટલા વર્ષ ગાળ્યા?
- 9 ક્યાં સુફીસંતે "تصوف" માં તત્વજ્ઞાનનાં તત્વોનો સમાવેશ કર્યો?
- 10 ક્યાં સુફી કવિ "خاتم الشعراء" ની મસ્નવીઓ ક્યાં નામે પ્રખ્યાતે છે?
- 11 "مولانا جامی" "ذاتا گنج بخش هجویری" "تربت" ક્યાં છે?
- 12

پایان